

پنج  
روز

# پنجاه آلبوم تاثیرگذار تاریخ موسیقی به انتخاب ابزرور

مجله‌ی «ابزرور» چاپ لندن، در ماه جولای سال گذشته‌ی میلادی، به مناسبت پنجاهمین سالگرد انتشار اولین فهرست پرفروش‌ترین آلبوم‌های موسیقی در جهان، فهرستی پنجاه‌تایی از تاثیرگذارترین آلبوم‌های موسیقی قرن بیستم - به انتخاب جمعی از منتقدان و نویسندگان - منتشر کرد. فهرستی که بر اساس میزان تاثیرگذاری و جریان‌سازی این آلبوم‌ها تهیه شده بود. نوشته‌ی زیر قسمت دوم از مجموعه‌ای ۵ قسمتی است که در آن به این فهرست - با آرایه‌ی توضیحات تکمیلی که در داخل گروه آمده است - پرداخته شده است.

ناب، سرشار از نبوغی شگفت‌انگیز از ابتدا تا انتها. گویی مایکل جکسون و «کوئینسی جونز» (Quincy Jones) تهیه‌کننده‌اش، عهد بسته بودند که بزرگ‌ترین و جهانی‌ترین آلبوم پاپ همه‌ی ادوار را خلق کنند. جونز عناصر موسیقی راک را وارد فضای موسیقی سول (Soul) کرد و جریانی ایجاد کرد که [بر اثر آن] حالا دیگر اصلاً عجیب نیست قطعه‌ی پاپی را بشنویم که ژانرهای موسیقایی بیشتری در آن با هم ترکیب شده‌اند.

[مایکل جوزف جکسون] آن قدر شخصیت عجیب، خیرساز و پرحاشیه‌ای دارد که دیگر احتیاج به معرفی نداشته باشد. این آهنگساز و خواننده‌ی آمریکایی که متولد ۲۹ آگوست ۱۹۵۸ است، به واسطه‌ی کارنامه‌ی موفق فعالیت‌های موسیقایی و زندگی خصوصی پرچندل و بحث برانگیزش طی ربع قرن گذشته، همواره توجه‌ها را به سوی خودش جلب کرده و در صدر خیرسازترین چهره‌های عالم موسیقی پاپ و حواشی آن بوده است. او فعالیت‌های موسیقایی‌اش را از سن ۷ سالگی و به‌عنوان خواننده‌ی اصلی گروه «جکسون فایو» (Jackson 5) آغاز کرد و به سال ۱۹۷۱ در حالی که هنوز عضوی از این گروه بود، اولین آلبوم شخصی‌اش را هم ضبط کرد. او از ۱۹۷۹ رسماً به فعالیت‌های شخصی‌اش پرداخت و از گروه جدا شد. نقطه‌ی اوج کارنامه‌ی کاری او، آلبوم «تریلر» است. این آلبوم پرفروش‌ترین آلبوم همه‌ی ادوار است که بیش از ۵۱ میلیون نسخه از آن در سراسر جهان به‌فروش رفته و برای او ۱۳ جایزه‌ی «گرمی» (Grammy Award) به ارمغان آورده. ۱۳ آهنگ از کارهای او نیز تا به حال در صدر جدول پرفروش‌ترین تک‌آهنگ‌های آمریکای شمالی قرار داشته است که این نیز برای او رکوردی به حساب می‌آید. بد نیست بدانید که نام او که حالا دیگر فقط یادآور ماجراهای اتهامات مربوط به کودک‌آزاری‌اش (یک‌بار در سال ۱۹۹۳، یک بار در سال ۲۰۰۲ و بار دیگر در سال ۲۰۰۵) و انواع و اقسام دادگاه و جرمه و فعالیت‌های عجیب است، تا به حال دو بار در تالار مشاهیر «راک‌ان‌رول» (Rock and Roll Hall of Fame) به ثبت رسیده است، یک‌بار در سال ۱۹۹۷ و به‌عنوان یکی از اعضای گروه جکسون‌فایو و بار دیگر در سال ۲۰۰۱ و به‌عنوان هنرمند مستقل. نام او همچنین در تالار مشاهیر آهنگسازان (Songwriter's Hall of Fame) قرار دارد. آخرین اخباری که بعد از سر و صداهای فراوان مربوط به محاکمه‌اش در سال ۲۰۰۵ از او به‌گوش رسید، این بود که چندی پیش و طی حرکت عجیب دیگری بعد از مدت کوتاهی اقامت در دوی، کشور بحرین را برای ادامه‌ی زندگی تا اطلاع ثانوی برگزید!

بدون این آلبوم... از ابرستاره‌هایی چون «مدونا»، یا ستاره‌هایی چون «جاستین تیمبرلیک» (Justin Timberlake) خبری نبود. همچنین تهیه‌کنندگان تاثیرگذار، محبوب و شناخته‌شده‌ای چون «تیمبلاند» (Timbaland) یا «فارل ویلیامز» (Pharrell Williams) هیچگاه مطرح نمی‌شدند.



Run DMC | 1984 **40**

گروه «ران دی ام سی» | Run DMC

اگرچه پیش از آنها دی‌جی توانا و موسیقی‌دان تاثیرگذاری چون «آفریقا بامباتا» با آن شخصیت پدرخوانده‌وارش پا به عرصه گذاشته و بنوعی هیپ‌هاپ‌های اولیه را ارایه کرده بود، اما این «ران دی ام سی» بود که الگوی هیپ‌هاپ به شکل امروزی‌اش را ثبت کرد. اولین آلبوم این گروه که همنام خود گروه بود - اولین مجموعه‌ی ریپ که بسیار محبوب و پرفروش شد - بشدت جذاب از آب درآمد. آلبومی که با اشعار اجتماعی‌اش راه را برای ریپ سیاسی و اجتماعی باز کرد.

[گروه هیپ‌هاپ «ران دی ام سی» تاثیر قابل توجهی بر پیشرفت و همه‌گیر شدن موسیقی هیپ‌هاپ طی دهه‌ی ۸۰ میلادی داشت. بسیاری حتی آنها را به‌عنوان اولین گروهی که هیپ‌هاپ را به صحنه رسمی موسیقی معرفی کرد می‌شناسند. هیپ‌هاپ حرکتی فرهنگی - اجتماعی است که در میان گروه‌های آفریقایی-آمریکایی‌ها و آمریکایی لاتینی‌های مقیم ایالات‌متحده و بخصوص ناحیه‌ای با نام «برانکس جنوبی» (South Bronx) و از اواخر دهه‌ی ۷۰ میلادی آغاز شد. بخش‌هایی از این جنبش در غالب موسیقی در دهه‌ی ۸۰ به عرصه عمومی معرفی شد و کم‌کم محبوبیت و مقبولیت عام یافت تا جایی که در دهه‌ی ۹۰ این خرده‌فرهنگ دیگر خود را به تمامی دنیا شناسانده بود. این‌طور گفته می‌شود که آتش این جریان با کاری از «دی‌جی کول هرک» (DJ Kool Herc) روشن شد. خود واژه‌ی «هیپ‌هاپ» نیز اولین بار در آهنگی بانام «شوق ریپ‌کارها» (Rapper's Delight)، کاری از «شوگرهیل گنگ» (Sugarhill Gang) به‌کار برده شد. چهار نمود یا عنصر اصلی هیپ‌هاپ عبارتند از: ریپ‌خوانی (Rapping - MCing)، استفاده از دی‌جی (DJing)، دیوارنگاری (Graffiti) و رقص‌های خاص (Breakdance). خیلی‌ها «دانش» و یا تسلط بر علوم را به‌عنوان عنصر پنجم در نظر گرفته‌اند، در حالی که بسیاری نیز فعالیت‌های سیاسی-اجتماعی و ... را به‌عنوان دیگر عنصر مهم این جریان می‌شناسند. در هر حال در دایره‌ی تعریف عامه‌ی مردم اصطلاح هیپ‌هاپ فقط به موسیقی هیپ‌هاپ یا ریپ باز می‌گردد.]

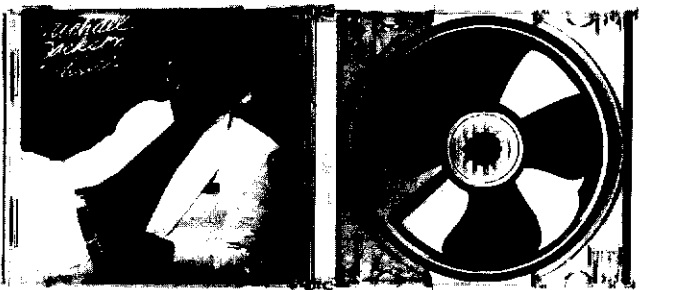
بدون این آلبوم... از گروه‌هایی مانند «پابلیک انمی» (Public Enemy) و «روتس اند ناس» (Roots and Nas) خبری نبود.



The Bends | 1995 **38**

گروه «ریدرز» | Radiohead

به موازات «جف باکلی» (Jeff Buckley)، «تام یورک» (Thom Yorke) خواننده و عضو اصلی گروه ری‌دیوهد صدایی تیز، غیرطبیعی و مملو از احساس بیم و نگرانی را به شهرت رساند، چیزی متفکرانه و در



Thriller | 1982 **39**

«میکل جکسون» | Michael Jackson

تقابل با «لد-راک» (Lad-Rock) که «لیام گالاگر» (Liam Gallagher) از گروه «اوایسیس» (Oasis) به آن شخصیت داده بود. پس از آن ایده‌ی استفاده از صدایی خام و زیر بر روی جریان سیالی از صداهای انواع گیتار، بسیار تقلید شد و کلا صدای ریپ‌بند تبدیل شد به یکی از صداهای تاثیرگذار بر اکثر موسیقی‌های دهه‌ی ۹۰.

[ریپ‌بند] گروهی انگلیسی است که از منطقه‌ی «آکسفورد شایر» سربرآورده. این گروه با آن آهنگ‌های چندلایه، تجربه‌گرایی در زمینه‌ی سبک‌های مختلف و استفاده از عناصر جدید و تحولات عظیمی که آلبوم به آلبوم در آثارش ایجاد می‌شود، معمولاً به‌عنوان یکی از خلاق‌ترین و آوانگاردترین گروه‌های دوران خودش مورد ستایش قرار گرفته است. برخی نیز ریپ‌بند را روح استقلال و آزادی موسیقایی و سیاسی می‌نامند، هرچند آنها همواره با کمپانی‌های معظم موسیقایی - نظیر ای‌ام‌ای - طرف قرارداد بوده‌اند. گروهی که در سال ۱۹۸۶ توسط چند دوست هم‌مدرسه‌ای شکل گرفت، اما تا سال ۱۹۹۲ هیچ تک‌آهنگی بیرون نداد. در ۱۹۹۳ قطعه‌ی «عوضی» (Creep) از اولین آلبوم گروه با نام «پابلو هانی» (Pablo Honey) به شهرتی جهانی دست یافت. آلبوم‌های بعدی این گروه با نام‌های «بندز» و «اوکی کامپیوتر» (OK Computer - 1997) شهرت و محبوبیتی عظیم برای گروه هم از سوی منتقدان و هم از سوی عامی مردم به ارمغان آوردند، تا جایی که بسیاری از منتقدان در آن دوران «اوکی کامپیوتر» را نقطه‌ی عطف جریان موسیقی راک در دهه‌ی ۹۰ نامیدند. با دو آلبوم بعدی، یعنی «کید ای» (Kid A - 2000) و «آمنسیاک» (Amnesiac - 2001)، گروه به اوج محبوبیت جهانی‌اش دست یافت، هرچند آهنگ‌های این دو آلبوم بسیار خارج از عرف‌تر و ساختارشکنانه‌تر به نظر می‌رسیدند. آخرین آلبومی که رسماً از این گروه منتشر شده نیز «خوش‌باش بر دزد» (Hail to the Thief) نام دارد که به سال ۲۰۰۳ منتشر شد. تام یورک، خواننده و آهنگ‌ساز اصلی ریپ‌بند است که بیش از هر چیز به‌خاطر شخصیت نامتعارفش شناخته می‌شود. او اخیراً مجموعه‌ای شخصی با نام «پاک‌کن» (The Eraser) ارایه کرده است. توضیحات مربوط به لد-راک که در متن اصلی به آن اشاره رفته را می‌توانید در قسمت اول این نوشته در شماره‌ی ۱۳ فرهنگ‌وآهنگ‌پیدا کنید.

بدون این آلبوم... «کلدپلی» (Coldplay) به‌وجود نمی‌آمد، همچنین از امثال «کین» (Keane) و «جیمز بلانت» (James Blunt) خبری نبود.



Blue Lines | 1991 **37**  
خطوط آبی  
Massive Attack

با از بین بردن مرزهای رپ، مسیو اتک تبدیل شد به پیشگام جریان هیپ‌هاپ سینمایی. بعد از فارق‌التحصیل شدن از یکی از برترین مدرسه‌های سیستم‌های صوتی در بریتانیا، اعضای این گروه سرکش بریستولی (Bristol - شهری در بریتانیا)، یعنی «اندرو واولز» (Andrew Vowles - ملقب به ماشروم) و «گرت مارشال» (Grant Marshall)

- معروف به ددی جی) با متخصص هنرهای «گرافیتی» (graffiti)، «رابرت دل ناجا» (Robert Del Naja - مشهور به 3D) متحد شدند. اولین ال‌پی آنها که شامل قطعه‌ی فراموش‌نشده‌ی «همدمی ناتمام» (Unfinished Sympathy) بود، هنوز یک کلاسیک مدرن به حساب می‌آید.

اگرچه «مسیو اتک» از سردمداران جریان «تریپ‌هاپ» (Trip-hop) بریتانیاست. جریانی که از شهر بریستول آغاز شد. هرچند خود اعضای این گروه با این گونه برجسب‌گذاری‌ها میانه‌ی خوبی ندارند و در مصاحبه‌های مختلفی اعلام کرده‌اند که تحت قواعد و محدود به هیچ سبک یا گونه‌ی خاصی از موسیقی فعالیت نمی‌کنند. شاید بهتر باشد که موسیقی این گروه در دسته‌ی موسیقی‌های الکترونیک تعریف شود. موسیقی الکترونیک تجربی‌ای که همواره عناصری از موسیقی‌های جاز، هیپ‌هاپ، راک، موسیقی ملل و حتی کلاسیک در آن به گوش می‌رسد. اعضای این گروه در طی سال‌های فعالیت‌شان با هنرمندان و خواننده‌های فراوانی همکاری کرده‌اند که از آن جمله می‌توان به «شینید او کانر» (Sinéad O'Connor)، «هوراس اندی» (Horace Andy) و حتی «مدونا» اشاره کرد. آنها حتی یک آلبوم با «نصرت فاتح علی خان» ضبط کرده‌اند. آنها در ابتدا به عنوان انشعابی از یکی از انجمن‌های هنری واقع در بریستول که «گروه وحشی» (The Wild Bunch) خوانده می‌شد، فعالیت‌شان را آغاز کردند. در ۱۹۸۸ اولین تک‌آهنگ این گروه (Any Love) منتشر شد و بسیار مورد توجه قرار گرفت. به‌دنبال آن در سال ۱۹۹۱ اولین آلبوم آنها با نام «خطوط آبی» منتشر شد. این آلبوم شامل جاودانه‌هایی نظیر «همدمی ناتمام» و «رویاپردازی» (Daydreaming) بود که هم از سوی منتقدان مورد استقبال قرار گرفت و هم از نظر تجاری بسیار موفق بود. تاثیرگذاری و محبوبیت این آلبوم به‌حدی بود که برای مثال قطعه‌ی «همدمی ناتمام» که «شارا نلسون» (Shara Nelson) آواز آن را خوانده، بارها و بارها از سوی منتقدان در فهرست‌های مختلف بهترین آهنگ‌های همه‌ی ادوار قرار گرفته است. در ۱۹۹۴ دومین آلبوم این گروه با نام «حفاظت» (Protection) منتشر شد. در این آلبوم که نقطه‌ی پایانی بر همکاری‌های «تریکی» (Tricky) از اعضای انجمن «گروه وحشی» با «مسیو اتک» بود، دو آهنگ ارکسترال بی‌کلام که توسط «کریگ آرمسترانگ» (Craig Armstrong) تنظیم شده و دو قطعه‌ی «محافظت» و «چیزهای بهتر» (Better Things) با صدای «تریسی تورن» (Tracey Thorn خواننده‌ی گروه Everything But The Girl) بیشتر جلب توجه می‌کنند. اصطلاح تریپ‌هاپ (با صدای بریستول - Bristol Sound) اولین بار توسط مجله‌ی بریتانیایی «میکس‌مگ» (Mixmag) برای توصیف موسیقی هیپ‌هاپ‌مانند «دی‌جی شدو» (DJ Shadow) به‌کار برده شد. موسیقی‌ای که به نوشته‌ی این مجله «ضرب‌ها و قواعد را تغییر داده بود و به شنونده‌اش این احساس را منتقل می‌کرد که گویی در جریان یک سفر موسیقایی قرار دارد». بعدها این اصطلاح برای توصیف موسیقی‌های الکترونیک با تمپوی پایین به‌کار برده شد، موسیقی‌هایی که از دل عرصه‌ی موسیقی هیپ‌هاپ و «هاوس» (House) بریتانیا بیرون آمدند. در این گونه موسیقی‌ها ضرب‌های مقطوع ریتم‌های لنگ و استفاده‌ی فراوان از «سَمپل‌ها» به گوش می‌رسد. اصطلاح «دیوارنگاری» (یا هنرهای گرافیتی) که در متن اصلی به آن اشاره رفته است به ارایه‌ی طرح و نقاشی بر سطوحی که برای همگان قابل رویت است باز می‌گردد، یعنی مثلاً بر روی دیوارهای شهر و یا ایستگاه‌های اتوبوس و غیره. این نوع هنر غیرتجاری در دهه‌ی ۹۰ طرفداران بسیاری پیدا کرد و وسیله‌ای شد برای ابراز شعارها و بیانه‌های هنری، اجتماعی و حتی سیاسی در غالب نقاشی... در بسیاری از کشورها ارایه‌ی نقاشی بر روی دیوارها و اماکن عمومی از مصادیق «وندالیسم» به‌حساب می‌آید و کاری غیرقانونی است.

بدون این آلبوم... از «روتس منووا» (Roots Manuva) و «دیزی» (Dizze) خبری نبود. در واقع عرصه‌ی موسیقی مدنی بریتانیا نیز اصلاً به وجود نمی‌آمد تا خبر از صحبت‌کنیم!



## The Ramones | 1976 **35**

رامونز «رامونز» | The Ramones

«خوشی در سال ۱۹۷۴ از موسیقی ناپدید شده بود.» این عقیده‌ی «جویی رامون» خواننده‌ی گروه رامونز در آن دوران بود. اما برای بازگرداندن خوشی و شادی به عرصه‌ی موسیقی فقط کافی بود که او و سه برادرش یک آلبوم ارایه کنند، با ۱۶ قطعه که همه‌شان کوتاه‌تر از ۳ دقیقه هستند. ایجاز، اولین درس پانکران نوازان نیویورکی برای دنیا بود، که در کنار سرعت، گیتار دیستورشن (Distortion) و اشعار بی‌معنی‌نما ارایه شد. در روزگار جلوه و شکوه پراگرسیو-راک (Progressive-Rock) قطعه‌های ۱۲ دقیقه‌ای، تلاش رامون‌ها برای بازگشت به ریشه‌های راک، سرخوشانه و برانگیزاننده بود.

[گروه آمریکایی «رامونز» بیش از هر چیز به علت نقش و تأثیرش در ایجاد و همه‌گیر شدن سبک «پانکرک» شناخته شده است. گروهی که از سوی برخی رسانه‌ها به عنوان اولین گروه پانکرک و صدای معرف پانک میانه‌ی دهه‌ی ۷۰ معرفی می‌شود. اگرچه این گروه هیچ‌وقت موفقیت تجاری برخی از هم‌دوره‌ی‌هایش نظیر «کلش» (The Clash) را تجربه نکرد، به هیچ‌وجه نمی‌توان منکر تأثیر شدید آن بر عرصه‌ی موسیقی‌های پانک و حتی «آلترناتیو راک» (Alternative) شد. همین تأثیرگذاری باعث شده که اعضای این گروه نزد منتقدان و نویسندگان موسیقی با لقب «پدرخوانده‌های پانک» شناخته شوند. اعضای که به مدت ۲۲ سال و بدون وقفه در کنار یکدیگر فعالیت کردند. یعنی از ۱۹۷۴ که گروه‌شان را در فارست‌هیل نیویورک تشکیل دادند تا سال ۱۹۹۶ که در جریان فستیوال موسیقی «لولاپالوزا» (Lollapalooza) آخرین اجرای زنده‌شان را انجام دادند و بعد از آن گروه‌شان منحل شد. پس از آن هم سه نفر از اعضای اصلی گروه خانوادگی «رامون»‌ها، یعنی «جویی رامون»، «جانی رامون» و «دی‌دی رامون» در حد فاصل سال‌های ۱۹۹۶ تا ۲۰۰۵ بدون حیات گفتند. در حالی که آنها به‌ر حال به عنوان گروهی تأثیرگذار از سوی رسانه‌ها و صاحب‌نظران موسیقی محترم شمرده می‌شدند، شهرت و محبوبیت گروه‌شان در حال حاضر بسیار بیشتر از تمام سال‌هایی است که در کنار یکدیگر فعالیت می‌کردند. قرار بر این است که نام رامون‌ها بزودی در تالار مشاهیر موسیقی «لانگ‌آیلند» ثبت شود... و اما سبک پانکرک سبکی برخاسته از جریانی اجتماعی است که در حد فاصل سال‌های ۱۹۷۴ و ۱۹۷۵ در ایالات متحده و بریتانیا شکل گرفت. واژه‌ی پانک اصولاً برای توصیف طرفداران خرده‌فرهنگی به کار می‌رود که با جرایماتی مانند پرخاشگری‌های اجتماعی و سیاسی نسل جوان، آرایش‌ها و پوشش‌های خاص و عجیب، ایدئولوژی‌هایی خاص و شعار معروف «DIY» (Do It Yourself - خودت انجامش بده) پیوند خورده است. از نظر تاریخی شهرهای لندن، منچستر، نیویورک، دیترویت، واشنگتن دی‌سی و لس‌آنجلس به عنوان پایگاه‌های این جریان شناخته می‌شوند. همچنین بد نیست بدانید که فستیوال لولاپالوزا، جشنواره‌ای آمریکایی است که در آن گروه‌ها و هنرمندان سبک‌های



## My Generation | 1965 **36**

تورکس «تورکس» | The Who

در کنار چهره‌های کوچکی که به یک اندازه تأثیرگذار بودند، گروه «هو» الگوی اصلی یک گروه موسیقی بریتانیایی در دهه‌ی ۶۰ بود. خیلی پیش‌تر از آن که آنها اولین اپرای راک خود را با نام «تامی» (Tommy) ضبط کنند، تعداد زیادی تک‌آهنگ بیرون داده بودند که پاس و سرکشی مه‌از شده‌ی جوان دهه‌ی ۶۰ لندن را منعکس می‌کرد. اولین آلبوم آنها در سال ۱۹۶۵ با نام «نسل من» شامل قطعه‌ی بزمی و جسور «بچه‌ها ردیفن» (The Kids Are Alright) و الگوی موسیقی غابی آن دهه، یعنی آهنگ «نسل من» بود. این قطعه شعری معروف اما بیگانه برای آن دوران داشت که در جایی از آن گفته می‌شد: «امیدوارم قبل از اینکه پیر بشم بمیرم». «نسل من» پاپ هنری مدرسه‌ای (Art-School Pop) بود، خشمگین و پرخاشگر، با گرایش به آتش‌افروزی و اعتراض.

[«هو» یکی از معروف‌ترین گروه‌های موسیقی راک است که در دهه‌ی ۱۹۶۰ از بریتانیا سر بر آورد. از مهم‌ترین عوامل شهرت این گروه می‌توان به دوره‌ی بلندمدت فعالیت اعضایش در کنار یکدیگر اشاره کرد. آنها از دهه‌ی ۶۰ میلادی و به‌غیر از دو دوره‌ی کوتاه بازنشستگی در حد فاصل سال‌های ۱۹۸۳ تا ۱۹۸۸ و ۱۹۹۰ تا ۱۹۹۵، طی این چهار دهه همواره با هم همکاری داشته و در غالب گروه‌شان فعالیت کرده‌اند. آنها از سوی منتقدان بارها و بارها به‌خاطر دینامیک اجراهایشان و برخی موسیقی‌های متفکرانه و هنری‌شان مورد تمجید قرار گرفتند. آنها همچنین به عنوان یکی از پیشروترین گروه‌های راک شناخته می‌شوند که - در کنار برخی از هم‌دوره‌ی‌هایشان مانند «کینکس» (The Kinks) - نقش بسزایی در همه‌گیر شدن و محبوبیت تکنیک‌هایی چون «پاور کورد» (Power Chord) و پدیده‌هایی چون «اپرای راک» (Rock Opera) داشتند. مغز متفکر «هو» در طی سال‌های متعددی فعالیتش همواره «پیت تاننشند» (Pete Townshend) گیتاریست و آهنگساز اصلی این گروه بوده است. او همچنین از گیتاریست‌های صاحب‌سبک و پرطرفدار حال حاضر دنیای موسیقی راک است. آلبوم‌های اولیه‌ی این گروه با آن آهنگ‌های کوتاه اما پر تکاپو، پاور کوردهای مشخص و ممتاز تاننشند، درامناواری پر هیجان «کیت مون» (Keith Moon) و تم‌های همیشگی‌شان در مورد سرکشی و طغیان و سردرگمی‌های عاطفی نسل جوان، جرقه‌های اولیه‌ی ایجاد سبک‌هایی چون «پانکرک» (Punk Rock) و «پاورپاپ» (Power Pop) بود. به‌همین دلیل است که بسیاری از منتقدان و نشریه‌های مطرح موسیقی به این گروه لقب «پدربزرگ‌های پانک» را اعطا کرده‌اند. در سال‌های اولیه‌ی فعالیت، این گروه همچنین به‌خاطر فعالیت‌های تخریبی و هنر سرکش مآبانه‌اش به‌منگام اجرای زنده بر روی صحنه بسیار مورد توجه بود؛ اعضای گروه در پایان هر برنامه ادوات موسیقی‌شان را می‌شکستند و از بین می‌بردند. حالا دیگر شکستن گیتار توسط تاننشند بر روی صحنه یکی از کلیشه‌های پرطرفدار موسیقی راک شده است. این گروه از ژوئن سال گذشته‌ی میلادی تورکنسرتی را در سراسر دنیا آغاز کرده که تا اواسط سال ۲۰۰۷ ادامه خواهد داشت.]

بدون این آلبوم... از «پل ولر» (Paul Weller) خبری نبود، همچنین از «بلر» (Blur)... و خدای بزرگ! حتی از «اوردینری بویز» (Ordinary Boys) هم خبری نبود.

آلترناتیو، پانک راک، رپ و گروه‌های رقص به اجرای برنامه می‌پردازند. این فستیوال که به‌همت «پری فارل» (Perry Farrell) - خواننده‌ی گروه Jane's Addiction) آغاز به‌کار کرده، یک نوبت از سال ۱۹۹۱ تا ۱۹۹۷ و بار دوم از سال ۲۰۰۳ به بعد به‌صورت سالانه به فعالیتش ادامه داده است. اهمیت لولاپالوزا در تصویری است که این واقعه‌ی سالیانه از فرهنگ نسل جوان در دهه‌ی ۹۰ ارایه کرد. هرچقدر «ووداستاک» (Woodstock) معرف نسل جوان دهه‌ی ۶۰ بود، این فستیوال را می‌توان معرف نسل جوان در اروپا و ایالات متحده در سال‌های پایانی سده‌ی گذشته‌ی میلادی دانست. اصطلاح «نسل لولاپالوزا» بعضی اوقات به‌عنوان مترادفی برای «نسل ایکس» (Generation X) و به‌منظور توصیف این نسل به کار می‌رود.]

بدون این آلبوم... از خوشی خبری نبود!



## Black Sabbath | 1970 34

Black Sabbath | گروه «بلک سب»

آلبومی تقریباً ۳۰ دقیقه‌ی... در هر حال این بدون‌شک آلبومی است که هوی‌متال را به عرصه‌ی موسیقی معرفی کرد. آن تمپوهای سنگین، آن تشبیهات و بدیعیات جدی - «گیزر باتلر» (Geezer Butler) نوازنده‌ی گیتاریس گروه، یک کاتولیک تمام‌عیار و از طرفداران «دنیس ویتلی» بود، آن ریتم‌های چکشی گیتار «تونی آیومی» (Tony Iommi) و آن آوازهای جیغ‌مانند «آزی آزبورن» (Ozzy Osbourne)، مولفه‌های اصلی تعریف این ژانر شدند و پرتعدادترین سبک راک دهه‌های ۷۰ و ۸۰ میلادی را شکل دادند.

[سبک‌های «هارد راک» (Hard Rock) و «هوی متال» (Heavy Metal) دو گونه از فراگیرترین ژانرهای موسیقایی قرن بیستم در میان نسل جوان سرکش و معترض بسیاری از نقاط دنیا - از جمله کشورمان - بودند. سبک‌هایی که بواسطه‌ی خلق و خو، روحیات، خلاقیت و تلاش‌های افراد بسیاری، از جمله چهار مرد انگلیسی با نام‌های آزی آزبورن، تونی آیومی، گیزر باتلر و «بیل وارد» (Bill Ward) در دهه‌های ۷۰ و ۸۰ میلادی پا به عرصه‌ی وجود گذاشته و مطرح شدند. این چهار نفر در سال‌های پایانی دهه‌ی ۶۰ گروه‌ی تشکیل دادند که اخیراً در لیست برترین گروه‌های هارد راک تاریخ به انتخاب شبکه‌ی تلویزیونی «وی‌جی‌وان» (VH1)، بعد از گروه «لد زپلین» (Led Zeppelin) در رتبه‌ی دوم قرار گرفته است. بلک‌سب بدون شک یکی از تأثیرگذارترین گروه‌های این سبک در سه دهه‌ی پایانی قرن گذشته‌ی میلادی و از عوامل اصلی شکل‌گیری و فراگیر شدن آن است. هارد راک یکی از فرم‌های موسیقایی منشعب از راک‌اندرول است که ریشه‌هایش را می‌توان در سبک‌های «گاراژ راک» و راک هوش‌ریبا یا روان‌گردان (Psychedelic Rock) دهه‌ی ۶۰ میلادی یافت. نشانه‌های شناخته‌شده‌ی این سبک استفاده از دیستورشن (Distortion) زیاد بر روی گیتار الکتریک در کنار استفاده‌ی همیشگی از اکستراسیونی متشکل از گیتار الکتریک، گیتار باس و درامز است. واژه‌ی هارد راک برای توصیف گونه‌هایی از موسیقی راک به‌کار می‌رود که

بشدت ریشه در موسیقی بلوز دارند. در واقع کاربردی‌ترین گام‌های موسیقی در این سبک، گام‌های «پنتاتونیک» (یا ۵ نُی - که گام‌های بلوز به‌شمار می‌آیند) هستند. با این تفاوت که موسیقی هارد راک محصور به استفاده از آکوردهای اول، چهارم و پنجم گام (که استفاده از آنها در بلوز بسیار رایج است) نیست و در آن از آکوردهای ماژوری که ریشه در درجه‌های مختلف مُد «هایپودورین» (Hypodorian) دارند استفاده می‌شود. البته در سال‌های اخیر واژه‌ی هارد راک برای توصیف گونه‌های دیگری نظیر پانک، گاراژ، «آلترناتیو متال» و حتی تا حدی هوی‌متال و به‌منظور ایجاد تمایزی کلی بین این سبک‌ها با گونه‌های پاپ‌تر و فانتری‌تر راک، کاربرد پیدا کرده است. هوی‌متال نیز سبکی است که از هارد راک منشعب شده، با این تفاوت که استفاده از افکت گیتار دیستورشن در آن بیشتر است، گروه‌های این سبک معمولاً گرایش‌های مذهبی و فکری خاصی دارند و روحیاتشان کمی خشن‌تر است! البته در حال حاضر واژه‌ی هوی‌متال ۲ کاربرد متفاوت پیدا کرده است؛ یکی برای توصیف کلی سبک متال و تمام زیر شاخه‌های متفاوتی که در طول زمان پیدا کرد و دیگری برای توصیف شیوه‌ی موسیقایی گروه‌های اصلی متال در دهه‌ی ۷۰، نظیر بلک‌سب، لد زپلین و «دپ‌پریل» (Deep Purple). البته نوع موسیقی دسته‌ی دوم در حال حاضر با عناوینی نظیر «متال سنتی» (Traditional Metal) نیز خطاب می‌شود. همچنین بد نیست بدانید که آلبوم بلک‌سب که در این قسمت صحبت از آن رفت، در سال ۲۰۰۳ در رتبه‌ی ۱۲ام فهرست ۵۰۰ آلبوم برتر همه‌ی ادوار (که از سوی مجله‌ی «رولینگ‌استون» منتشر شد) قرار گرفت.]

بدون این آلبوم... از گروه «اسپینال‌تپ» (Spinal Tap) خبری نبود، همچنین از سبک گرانج (Grunge) و «کرت کوبین» (Kurt Cobain)... و البته برنامه‌ی تلویزیونی «خانواده‌ی آزیرون‌ها» (The Osbournes) هم وجود نداشت!



## Head Hunters | 1973 33

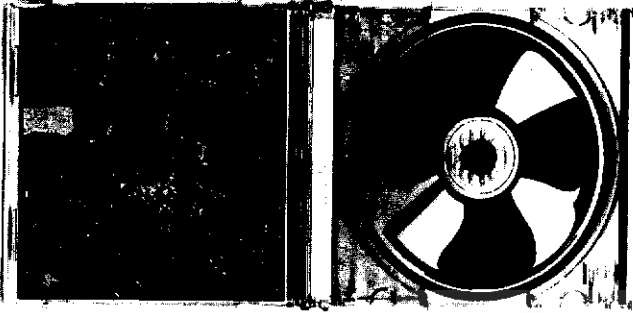
Herbie Hancock | «هد هانترز»

این آلبوم بدون‌شک موسیقی «جاز» (Jazz) را با «فانک» (Funk) و «آر اند بی» (R&B) پیوند داد، و این کار را با اعتماد به نفسی لذت‌بخش انجام داد که راهکاری کاملاً جدید و روشنفکرانه برای موسیقی ایجاد کرد. به همان اندازه نیز نوع استفاده از کی‌بوردهای الکترونیکی در این آلبوم ارزش و اهمیت دارد. پدیده‌هایی که در آن دوران بسیار ابتدایی و نابالغ بودند، اما آلبوم‌هایی از این دست باعث افزایش اقبال عمومی و پیشرفت وسیع آنها شدند. «هد هانترز» همچنین سرآغاز شکل‌گیری فیوژن‌های سبکی و نژادی بود که طی حدود ۳۰ سال به موسیقی جاز حیاتی تازه بخشیدند.

[«هربرت جفری هنکاک» (متولد ۱۲ آوریل ۱۹۴۰) یکی از مطرح‌ترین و تأثیرگذارترین آهنگسازان و نوازندگان پیانو به‌سبک جاز است. او که در شهر شیکاگو واقع در ایالت ایلینویز ایالات متحده زاده شده در طول دوران فعالیتش جوایز بسیاری از جمله تعداد زیادی جایزه‌ی گرمی (Grammy) از آن خود کرده است. شهرت او بیش از هر چیز به‌خاطر تلفیق‌هایی است که میان موسیقی جاز و موسیقی‌های دیگری نظیر راک، فانک و «سول» (Soul) ایجاد کرده و به این وسیله در میان طرفداران بی‌شمار موسیقی پاپ برای خود آوازه‌ای

به شکل امروزی‌اش باز کردند. گروه «ام‌جی» که در متن اصلی به آن اشاره شده است، گروهی است که معمولاً ردینگ را در ضبط‌های استودیویی و بیشتر کنسرت‌ها همراهی می‌کرد. اوتیس ردینگ در دسامبر ۱۹۶۷، در حالی که ۶۲ سال بیش نداشت به همراه ۵ تن از دوستانش در جریان حادثه‌ی سقوط هواپیما درگذشت. از شاهکارهای جاودانه‌ی او می‌توان به قطعه‌ی معروف و تاثیرگذار «نشستن بر بارانداز خلیج» (Sitting on the Dock of the Bay) اشاره کرد.

بدون این آلبوم... «آرتا فرانکلین» (Aretha Franklin) وجود نداشت که قطعه‌ی «احترام» (Respect) را بخواند، «ال گرین» (Al Green) و «ترنس ترنت دی‌آربی» (Terence Trent D'Arby) هم خبری نبود.



The Stone Roses | 1989 **31**

۳۱ روز

گروه «استون روزز» | The Stone Roses

تا اواخر دهه‌ی ۸۰ میلادی، منچستر شهری بدشگون و نامیوم برای اهل موسیقی بود که هنوز روح «بان کورتیس» (Ian Curtis) در آن پرسه می‌زد و سر و صدا می‌کرد. اما در اواخر این دهه استون‌روزز از کلاب‌های آن شهر سربرآورد. تلفیق سایکودلیای کرانه‌های غربی بریتانیا و فرهنگ دیوانه‌وار پر از شور و غوغای جوانان آن دهه توسط این گروه در این آلبوم هم تکان‌دهنده بود و هم غیر قابل پیش‌بینی. آنها تحت‌تأثیر فرهنگ جدید جوانان آن دوران، از فضای آهنگ‌های «اسمیتس» وار بیرون آمدند: نتیجه نیز آلبومی شد که کلام مبهم و گیج‌کننده‌اش و درام فانکی‌اش هم بسیار بی‌تزییر می‌نمود و هم بسیار مطابق با فلسفه‌های خوش‌گذرانی (Hedonism).

[اهمیت «استون‌روزز» به دو تاثیر مهمی که بر موسیقی انگلستان گذاشته باز می‌گردد؛ اول اینکه این گروه از منچستر آمد (بر خلاف بسیاری از گروه‌های معروف دیگر که از لیورپول و لندن می‌آمدند) و توجه اذهان عمومی را به سمت گروه‌های این شهر جلب کرد و دوم اینکه این گروه با ترکیب موسیقی هوش‌ریبا و نوعی از هوس و ریتم‌های فانکی نوعی جریان در عرصه‌ی موسیقی اواخر دهه‌ی ۸۰ و اوایل دهه‌ی ۹۰ در انگلستان ایجاد کرد. این گروه از اواخر دهه‌ی ۸۰ میلادی آغاز به کار کرد و در طول دوران فعالیتش فقط یک آلبوم دیگر غیر از آلبوم مورد بحث در این قسمت، در سال ۱۹۹۴ بیرون داد. استون‌روزز در سال ۱۹۹۶ منحل شد. «یان کوین کورتیس» که در متن اصلی از او سخن رفته است، خواننده، آهنگساز و گیتاریست گروه «جوی دیویژن» (Joy Division) بود که در ۱۹۸۰ و در حالی که ۲۴ سال بیش نداشت بر اثر بیماری ناشناخته‌ای درگذشت. مرگ دلخراش او که اهل منچستر بود و جوان محبوبی در این شهر به حساب می‌آمد، تا مدت‌های مدید بر اذهان عمومی تأثیری ناگوار گذاشته بود.]

بدون این آلبوم... خوب، به راحتی می‌توان گفت که یک مقداری از استون‌روزز در دی‌ان‌ای تمام گروه‌های راک بریتانیایی از آن موقع باقی مانده است.

رقم زده است. او که پیانیست کوئیتت (گروه ۵ نفره) دوم «مایلز دیویس» (Miles Davis) بود، از اولین موسیقی‌دانان جاز به حساب می‌آمد که به سیتی‌سایزر روی خوش نشان داد. همچنین او را می‌توان یکی از سردمداران جریان «پوست-پاپ» (Post-Pop) دانست. پوست-پاپ اصطلاحی است که برای توصیف موسیقی‌های جاز که در اواخر دهه‌ی ۶۰ میلادی و با ریشه در آثار هنرمندانی چون مایلز دیویس، «جان کالترین» (John Coltrane)، «بیل ایوانس» (Bill Evans) و ... شکل گرفت، به کار می‌رود. این نوع از موسیقی جاز ریشه‌هایی در شیوه‌هایی چون «بی‌باپ» (Bebop)، «مودال جاز» (Modal Jazz)، «فیسری جاز» (Free Jazz) و ... داشت. البته این اصطلاح اخیراً برای توصیف این گونه از موسیقی‌ها ابداع شده و در زمان اوج شهرت و محبوبیت این سبک، کاربردی نداشت.

بدون این آلبوم... همین کافی است که بگوییم تقریباً رد پای همه چیز در دنیای جاز-فانک به همین آلبوم برمی‌گردد.



Otis Blue | 1965 **32**

۳۲ اوتیس بلو

«اوتیس ردینگ» | Otis Redding

پیش از شکل‌گیری کمپانی «استکس» (Stax Records) و پا به عرصه گذاشتن اوتیس ردینگ، ایالت‌های جنوبی آمریکا فقط جایگاه و پایگاهی برای سبک کانتری بود. این آلبوم چند هفته پس از مرگ الگو و هنرمند بسیار مورد علاقه‌ی ردینگ، یعنی «سام کوک» (Sam Cooke) ضبط شد و ردینگ را به عنوان وارث خلف کوک مطرح کرد، تجسمی از جامعه‌ی جوان سیاه‌پوستان آمریکایی با آرزوهای سفیدپوستان... در این آلبوم قطعه‌ی «تغییری در راه است» (A Change is Gonna Come) اثر کوک در کنار «رضایت» (Satisfaction) ساخته‌ای از «رولینگ‌استونز» قرار گرفته است. با پشتیبانی‌های قابل توجه گروه «ام‌جی» (MG) و شیپورهای «مارکی» (Markey) در پس‌زمینه‌ی صدای خوش‌دار اوتیس، این آلبوم به موسیقی «سول» (Soul) معنی بخشید.

[«اوتیس ری ردینگ جونیور» (Otis Ray Redding Jr.)، هنرمند سیاه‌پوست آمریکایی، یکی از تاثیرگذارترین چهره‌های موسیقی «سول» در ایالات متحده بود. او که متولد ۹ سپتامبر ۱۹۴۱ است از کودکی عضو گروه کر کلیسای «وینویل» (در شهر کوچک ماکن واقع در ایالت جورجیا، که از ۵ سالگی به همراه خانواده‌اش در آنجا سکونت داشت) بود و از ۱۵ سالگی تبدیل به چهره‌ی محلی شناخته‌شده‌ای در شهر محل زندگی‌اش و برخی شهرهای کوچک اطراف شد. ردینگ در ۱۹۶۰ به همراه «جانی جنکینس» (Johnny Jenkins) و گروه «پاین‌تاپرز» (The Pinetoppers) در جریان یک تورکنسرت در ایالت‌های جنوبی آمریکا شرکت کرد و در همان سال موفق شد اولین آهنگ شخصی‌اش (She's All Right) را تحت نام گروه «اوتیس و شوترز» (Otis and The Shooters) ضبط کند. او از ۱۹۶۲ و پس از همکاری با کمپانی شناخته‌شده‌ی «استکس» به شهرت و محبوبیت رسید. ردینگ در آن دوران آهنگ‌هایی می‌نوشت که برای زمان خودشان غیرمعمول و بدیع بودند، آهنگ‌هایی که راه را برای موسیقی سول